علوم قرآنی در «الانساب» سمعانی

ذکایی ساوجی، مرتضی

یکی از کتابهای مهم تصنیف شده در قرن ششم‏ هجری،کتاب«الانساب»تألیف ابی عبدالکریم بن‏ محمد بن منصور تمیمی سمعانی(متوفی 562 قمری)است.(1)با اینکه موضوع این کتاب‏ نسب‏شناسی یا شجره‏نگاری،و به اصطلاح اعراب‏ «التشجیر»است،کتاب الانساب مشتمل بر اطلاعات بسیار سودمند و مهم دیگری نیز هست. یکی از فواید الانساب آوردن نام کتابها و نویسندگانی است که غالبا در منابع دیگر یاد نشده‏ است.زیرا مؤلف سختکوش آن برای نگارش این‏ کتاب رنج سفرهای طولانی و فراوان را به نقاط مختلف جهان برخود همواره کرده،در شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ کتابهای بسیاری را دیده و یا دربارهء آنها شنیده و با بسیاری از محدثان و محققان دیدار کرده و حاصل آن همه را در کتاب‏ الانساب فراهم آورده است.این کتابها اعم از تفاسیر و علوم قرآنی،ادبی،عرفانی،تاریخی، سفرنامه‏ها و دواوین شعرند که اکثر آنها متأسفانه‏ امروز در دست نیست و حتی در منابع کتابشناسی‏ دیگر هم نامی از آنها نیامده است.

از وجوه دیگر اهمیت الانساب این است که پس‏ از تألیف،مورد توجه مورخان و محققان سالهای‏بعد قرار گرفت و عده‏ای بر آن تقریظ و شرح‏ نوشته،یا آن را تلخیص کردند.از جمله عزالدین‏ ابوالحسن علی بن محمد بن اثیر جوزی(متوفی‏ 630 ق)است که با تلخیص الانساب سمعانی و افزودن برخی استدراکات،کتاب جدیدی در سه‏ جلد سامان داد و آن را«اللباب»نامید.همچنین‏ جلال‏الدین عبدالرحمن سیوطی الانساب را تلخیص کرد و با برخی از اضافات که از کتابهایی‏ چون«معجم البلدان»یاقوت حموی استخراج کرده‏ بود،در سال 873 هجری کتاب جدیدی را با عنوان‏ «لب اللباب»پدید آورد.نیز قاضی قطب‏الدین‏ محمد بن محمد خیضری شافعی(متوفی 894 هـ. ق)انساب سمعانی را تلخیص کرد و اضافات و تعلیقات ابن اثیر،رشاطی و دیگران را هم بر آن‏ افزود و کتاب خود را«الاکتساب»نامید.(2)

احوال و آثار سمعانی

عبدالکریم سمعانی در شعبان سال 506 قمری‏ متولد شد.پدر سمعانی او را در سه سالگی به‏ نیشابور برد.یک سال پس از آن درگذشت‏ (الانساب،ج 3،ص 298)و تربیت و تعلیم‏ سمعانی به دست عموهایش افتاد.سمعانیان‏ جملگی اهل علم و فضیلت بودند.عموی بزرگ او ابومحمد حسن بن‏ابی المظفر سمعانی،عالمی‏زاهد بود و سمعانی جوان کتابهایی چون«الجامع» معمربن راشد،«تاریخ»احمد بن سیار،«امالی» ابی زکریا مزکی را نزد او آموخت.همچنین از عموی کوچک خود ابوالقاسم احمد بن منصور سمعانی(متوفی:534 ق)فقه و حدیث فرا گرفت.خواهر سمعانی امةالله حرّه نیز زنی عالم و فاضل بود،و ابی غالب محمدبن حسن باقلانی‏ بغدادی به او اجازهء حدیث داده بود.سمعانی نزد او نیز احادیث و حکایات فراوان آموخت. (الانساب،ج 3،ص 301).از دیگر استادان‏ وی که خود از آنان یاد کرده است ابی شجاع عمربن‏ ابی الحسن بسطامی است(ج 1،ص 19)و او همان کسی است که سمعانی را به تحقیق و نگارش‏ الانساب تشویق کرده است.

غیر از اینها،سمعانی محضر استادان بسیاری را درک کرده است.او به خاطر تحقیق و استما حدیث،رنج سفرهای فراوان را بر خود هموار کرده‏ و بارها به شهرهای بسیار از جمله اصفهان، خراسان،همدان،ماوراءالنهر،عراق،حجاز، شام،طبرستان و بیت‏المقدس سفر کرد.ابن نجا نوشته است که وی از هفت هزار شیخ،حدیث‏ شنیده است.سمعانی به نوشتن حدیث عشق‏ می‏ورزید و خود این جمله زیبا را از صاحب عباد وزیر نقل کرده است که«من لم یکتب حدیث‏ لم یجد حلاوة الاسلام»(ج 4،ص 31).یعنی‏ کسی که حدیث ننوشته،شیرینی و حلاوت اسلام‏ را نیافته است.

سمعانی جز«الانساب»کتابهای دیگری نیز نوشته است.اسامی برخی کتب او اینهاست: «الاسفار عن الاسفار»(ج 1،ص 363)،«النزوع‏ عن الاوطان و النزاع الی الاخوان»(ج 1،ص‏ 363)،«ادب الاملاء و الاستملاء»(ج 1،ص‏ 393)،«الذین علی تاریخ بغداد خطیب»،«تاریخ‏ مرو»،«ادب الطلب»،«معجم البلدان»،«معجم‏ الشیوخ»،«تحفه المسافر»،«الهدایه»، «عزالعزله»،«الادب و استعمال الحسب»، «المناسک»،«الدعوات»،«الدعوات النبویه»، «غسل الیدین»،«افانین البساتین»،«دخول‏ الحمام»،«صلوة التسبیح»،«التحایا»،«تحفه‏ العید»،«فضل الدیک»،«الرسائل و الوسائل»، «صوم البیض»،«سلوة الاحباب»،«التحبیر فی‏ المعجم الکبیر»،«فرط العزام الی ساکنی الشام»، «مقام العلماء بین یدی الامراء»،و بسیاری دیگر.

اما مشهورترین کتاب سمعانی همین الانساب‏ اوست که به تشویق استادش ابی شجاع عمربن ابی‏ الحسن بسطامی در روز جمعه سال 550 قمری در سمرقند شروع به تصنیف آن کرد.(ج 1،ص 19) الانساب که به عربی نگاشته شده در سال‏ 1408 ق/1988 میلادی به شکل منقحی به وسیلهء دارالکتب العلمیهء بیروت با تصحیح و تحقیق استاد عبدالله عمر بارودی در 5 جلد چاپ و منتشر شده‏ است.پیش از این آن کتاب در ده جلد در حیدرآباد دکن به طبع رسیده بود.(3)

فهرست کتابهای علوم قرآنی در الانساب

آنچه در پی خواهد آمد کتابهای علوم قرآنی است‏ که در الانساب از آنها یاد شده است.

1-«تفسیر القرآن»از ابی کلبی.وی از مفسرانی‏ است که پایهء تفسیر آنان بر تفسیر ابن عباس است. اهل کوفه بوده و در سالهای 66 تا 146 هـ.ق‏ می‏زیست.محققان دیگر چون ابن قتیبه دینوری‏ (4)،ابن ندیم(5)،ابن خلکان(6)،ذهبی(7)، صفدی(8)،خیرالدین زرکلی(9)،عمر رضا کحاله‏ (10)،بروکلمان آلمانی(11)ولیفی دیلافیدا(12)از ابن کلبی و تفسیر او یاد کرده‏اند.نسخه‏های خطی‏ فراوانی نیز از این تفسیر در کتابخانه‏های جهان‏ موجود است.(13)

2-«تفسیر قرآن»از ابومحمد اسماعیل بن‏ عبدالرحمن سدّی.پدر او از بزرگان اصفهان،اما خودش ساکن کوفه بود.به سال 127 قمری در زمان حکومت بنی‏مروان وفات یافت(ج 3،ص‏ 239).ابن تغری بردی او را به عنوان مفسری‏ ممتاز یاد کرده(14)،و طبری(15)از تفسیر او استفاده‏ کرده است.بسیاری از محققان از جمله عمر رضا کحاله(16)و گلدزیهر از او یاد کرده‏اند.(17)

3-«تفسیر قرآن»از عبدالرزاق بن همام صنعانی‏ متولد صنعا سال 126 هـ.ق متوفی در یمن به‏ سال 211هـ.ق)وی شیعه بود(ج 5،ص 45)و از شاگردان مشهور معمر بن راشد به شمار می‏رفت. شرح احوال وی در کتابهای بسیاری ذکر شده که‏کاملتر از همه در اثر بزرگ و جاودانه دکتر فؤاد سزگین با عنوان«تاریخ التراث العربی»ترجمهء او و آثارش آمده است.(18)

تفسیر عبدالرزاق بن همام صنعانی بسیار متأثر از کتاب استادش معمر بن راشد است.نسخه‏های‏ خطی از این تفسیر در کتابخانه‏های مختلف،از جمله در قاهره و آنکارا موجود است.(19)

4-«تفسیر قرآن»تألیف ابوزکریا یحیی بن جعفر بن اعین ازدی بیکندی بکبونی محمد بن اسماعیل‏ بخاری و عبیدالله بن واصل و خلف‏بن عامر از او روایت کرده‏اند(الانساب،ج 1،ص 383).

5-«تفسیر قرآن»تألیف ابوعلی حسین بن فضل‏ بجلی بغدادی،ساکن نیشابور(ج 1،ص 285). سمعانی اطلاع دیگری از او به دست نداده است.

6-«تفسیر قرآن»تألیف ابوالعباس ولیدبن ابان بن‏ بونهء اصفهانی متوفی به سال 310(ج 1،ص‏ 416)سمعانی از قول حافظ ابوبکربن مردویه‏ دربارهء او نوشته که جز این تفسیر کتاب«المسند»و «الشیوخ»را تألیف کرده است و در عراق از عباس‏بن‏ محمد دوری و در ری از ابی حاتم محمدبن‏ ادریس رازی و در اصفهان از ابی مسعود احمدبن‏ فرات رازی و جز آنها حدیث نوشته است.

7-«تفسیر قرآن»تألیف ابوعبدالله محمدبن ابی‏ بکر بن علی بن عطاء بن مقدم مقدمی متوفی؛ 234 ق(ج 1،ص 270 و ج 5،ص 364).

8-«تفسیر قرآن»از ابومسعود سهل بن عثمان‏ فارسی عسگری مفسر فاضل و محدث ثقه.ولادت‏ او در شهرعسکر مکرم( لشکر)از توابع اهواز بود.به سال 230 قمری به اصفهان آمد و پس از دو سال به ری رفت(232 ق).اواخر عمر به‏ عسکر مکرم بازگشت و همانجا وفات یافت.به‏ غیر از تفسیر کتاب«المسند»را نیز تألیف کرده‏ است(ج 4،ص 193).

9-«تفسیر قرآن»تألیف ابومحمد الحسن بن‏علی الهادی بن محمد عسگری(علیه السلام)امام‏ یازدهم شیعهء امامیه(ولادت:مدینه 232 ق- وفات:سامراء،260 ق)(ج 4،194)برخی در صحت انتساب این تفسیر به امام حسن عسکری(ع) تردید کرده‏اند:نسخه‏های خطی از این کتاب،در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار(شهید مطهری) تهران(20)(شمارهء 1998،)کتابخانهء آستان قدس‏ رضوی مشهد(21)(شمارهء 281)و کتابخانه موزهء بریتانیا(22)(شرقی،5582)موجود است.این‏ کتاب در طهران به سال 1268 ق-1313 ق در هامش تفسیر قمی چاپ سنگی شده است.

10-«تفسیر»تألیف ابواسحاق ابراهیم بن معقل‏ بن حجاج بن خداش سانجنی نسفی متوفی به‏ 295 ق،پیشوا و قاضی قریهء سانجن از قرای نسف‏ بعد از طفیل بن زید.و فقیه،محدث و صاحب‏ تألیفات چندی بود و به خراسان،عراق،حجاز، شام و مصر به قصد تحقیق،تحصیل و استماع‏ حدیث سفر کرد(الانساب،ج 3،ص 204).

11-«المدخل ،فی التفسیر»:تألیف ابوالحسن‏ بن ابی الحسین قطان شاماتی.ابوکامل بصیری از وی و تفسیر او یاد کرده و او را ناقدی دقیق لقب‏ داده و گفته وی از شامات نیشابور بوده است‏ (الانساب،ج 3،ص 385).

12-تفسیر:تألیف عبدبن حمید کشی،که آن را از عبدبن عابد روایت کرده است(الانساب،ج 4، ص 127).

13-«تفسیر»:تألیف ابن عینیه ابوجعفر محمدبن ابراهیم بن عبدالله دیبلی(متوفی‏ 343 ق).این کتاب را از ابی‏عبیدالله سعیدبن‏ عبدالرحمن مخزومی روایت کرده است‏ (الانساب،ج 2،ص 524).

14-«تفسیر»تألیف ابومسعود بجلی،ابوکامل‏ بصیری در کتاب«المضافات»از او یاد کرده است‏ (الانساب،ج 3،ص 135).

15-«تفسیر ثعالبی»(ج 4،صض 31)

16-«تفسیر»از ابومحمد بن مکی بن عبدالرزاق‏ کشمیهینی،فقیه،ادیب و محدث بزرگ قرن چهارم‏ هجری تولد او در کشمیهن از قرای مرو،و وفات او در همانجا در روز عید اضحی سال 389 قمری‏ بوده است(الانساب،ج 5،ص 76،ج 1،ص‏ 270).

17-«تفسیر الوبسط»از ابوالحسن علی بن‏ احمدبن محمدبن علی بن مقویه مقری ساوی‏ نیشابوری،متوفی در جمادی‏الاخر سال 468 قمری(الانساب،ج 5،ص 183).امام واحدی‏ سه کتاب در تفسیر نگاشته است که«کتاب الوجیز» «کتاب الوسیط»و«کتاب البسیط»نام دارند.ابن‏ خلکان برآن است که ابوحامد غزالی اسامی‏ کتابهای سه گانه خود را از امام واحدی اقتباس کرده‏ است.(23).

18-«کتاب کبیر فی القراآت»تألیف ابوجعفر محمد بن سعدان نحوی ضریر(متوفی:1231 ه ق).اهل بغدادواز متخصصان علم نحو بود. حدیث او ثقه و مورد اعتماد است.ابوالحسن بن‏ منادی دربارهء او گفته است:ابوجعفر نحوی‏ ضریر،قرآن را به قرائت حمزه تلاوت می‏کرد.وی‏ در روز عرفه سال 231 ق درگذشت(الانساب، ج‏4،ص 16).

19-«کتاب عدد آی القرآن و اختلاف فیه» تألیف ابوبکر محمد بن خلف بن جیان بن صدقه‏ بن زیاد صبی(متوفی:306 هـ.ق)اهل بغداد بود و به وکیع شهرت داشت.جز این تألیفات دیگری‏ نیز نگاشته است.از جمله«کتاب الطریق»، «کتاب الشریف»،و کتابهای دیگر.گفته‏اند که از ابابکر بن مجاهد خواستند کتابی دربارهء«عدد» تألیف کند وی گفت:«قد کفانا ذالک وکیع»یعنی‏ کتاب وکیع در این باره ما را کافی است.در ربیع‏ الاول سال 306 قمری درگذشته است. (الانساب،ج 4،ص 11).

20-«قراات القرآن»از ابونصر منصور بن محمد مقری عراقی(متوفی 450 ق)مشهور به عراقی، زیرا مدتها در عراق اقامت داشت.وی از استادان‏ بزرگ و ممتاز رشتهء قرائت قرآن بود.اواخر عمر به‏ ماوراءالنهر بازگشت.درعلوم قرآنی تصانیف‏ چندی داشته است.سمعانی چنین نوشته که کتاب‏ قراآت او را در نسف دیده که در نهایت عمق و زیبایی بوده است(الانساب،ج 4،ص 176).

21-«کتاب فی اللغه القرآن»تألیف ابوالعلاء احمد بن عبدالله بن سلیمان التنوخی معری از اهالی معرة النعمان.وی استاد لغت عربی، شاعری فصیح و خطیبی خوش بیان بود.به سال‏ 363 قمری زاده شده و در سال 449 قمری وفات‏ یافته است(الانساب،ج 1،ص 484).

22-«کتاب القراآت»:تألیف خارجه مغیث بن‏ بدیل و اسحاق بن ابراهیم بن مزیز سرخسی.از این کتاب روایت کرده‏اند.سمعانی اطلاع دیگری‏ دربارهء نویسندهء آن ذکر نکرده است(الانساب،ج‏ 5،ص 281).

23-«کتاب قرائت عاصم»تألیف قبل از سال‏ 381 قمری(الانساب،ج 5،ص 373). 24-«حروف القرآن»از علی بن حمزه کسائی و یعقوب بن اسحاق حضرمی متوفی:187 قمری‏ 180(الانساب،ج 1،ص 508)هم چنین‏ بورکلمان از کتاب«متشابه القرآن»او یاده کرده‏ است.(24)

25-«علم القرآن»ابوحامد محمدبن احمد بن‏ علی مقری کرکانجی(متوفی«481 قمری در مرو. (ج 4،ص 371)

26-«کتاب القراآت»تألیف ابوحامد أحمد بن‏ عبدالرحمن نیشابوری سرخکی،اهل قریه سرخک‏ نیشابور.صاحب«تاریخ نیشابور»او را از فقهاء صاحب نظر ذکر کرده است.«کتاب حفص»نیز از اوست.در ماه رمضان سال 316 قمری درگذشت‏ (الانساب،ج 3،ص 245).

27-«احکام القرآن»از ابی الحسن عبادبن‏ عباس طالقانی پدر صاحب بن عباد وزیر آل بویه. در روستای طالقان قزوین بدنیا آمده و در سال 335 یا 334 قمری درگذشته،سمعانی نوشته که«از أبالفضل محمدبن طاهر مقدسی شنیدم که‏ گفت:کتاب احکام القرآن ابی الحسن عبادبن‏ عباس طالقانی را در کتابخانه پسرش ابی‏القاسم‏ اسماعیل بن عباد در شهر ری دیدم.وی در این‏ کتاب مذهب اهل اعتزال را یاری و ترویج کرده‏ است و هر بیننده‏ای را به تحسین وامی‏دارد.

ابوبکر بن مردویه و اصفهانیان از آن روایت کرده‏اند (الانساب،ج 4،ص 30).

28-«غریب القرآن»تألیف محمدبن عزیر سجستانی معروف به عزیری از قبیلهء بین عزره، قاضی ابوفرج محمدبن عبیدالله بن ابی بقاء بصری‏ قاضی از این کتاب روایت کرده است(ج 4،ص‏ 188)

29-«اخبار القرآن»تألیف ابی عبدالرحمن بن‏ ابی لیث به روایت عبدبن عابد(ج 4،ص 127).

30-«احکام القرآن»تألیف محمدبن الازهر،به‏ روایت عبدبن عابد،وی از ابی نضر محمدبن‏ احمد بزار روایت کرده است(ج 4،ص 128)

31-«کتاب احکام قرآن»تألیف اسماعیل قاضی‏ اطلاع بیشتری دربارهء وی ذکر نشده است(ج 5، ص 58)

32-«کتاب فی غریب القرآن»تألیف أبوفید مورج بن عمرو سدوسی،از دانشمندان بزرگ‏ ادبیات عرب در خراسان،در زمان مأمون عباسی‏ همراه او به بغداد رفت.محدثان مرو از وی فراوان‏ روایت کرده‏اند.از فرط تسلط به ادبیات عرب‏ گویند عجمیت او شناخته نمی‏شد(الانساب،ج‏ 3،ص 237)

33-«کتاب النتف و الطرف و کتاب نثر الدر»از ابی سعدآوی متوفی به 421 ق(ج 5،ص 267) جلد یکم نثرالدر را بایستی نخستین معجم قرآن‏ کریم دانست.زیرا آوی در این کتاب یک فهرست‏ موضوعی برای آیات قرآن کریم سامان داده است. این در حالی است که برخی از پژوهشگران کهنترین‏ فهرستها و کشف الآیات قرآن کریم را مربوط به قرن‏ نهم هجری دانسته‏اند که به همت شهاب‏الدین‏ احمدبن محمد مدون نیشابوری تدوین شده‏ است.(25)برخی عنوانهایی که ابوسعدآوی آیات‏ قرآن را براساس آن تقسیم‏بندی کرده است‏ اینهاست: آیات فیها ذکر التقوی(نثر الدر،ج 1،ص 29)، الایات التی فیها ذکر الصلوة(ص 35)، التمحیدات(حمد)ص 39،آیات فیها ذکر الله‏ تعالی(ص 41)،الامثال(ص 49)،الامر بالعدل‏ و الاحسان(ص 54)الکم(ص 54)ذکر الموازین(ص 56)،التکلیف(ص 57)،التحذیر من الظلم(ص 58)،الجهاد(ص 63)،الصبر (ص 67)،النصر(ص 69)الصدقات(ص‏ 73)،النفقات(ص 75)،العفو(ص 78)...

کار ابوسعدآوی در تقسیم‏بندی آیات اگرچه کامل‏ نبوده و همهء موضوعات قرآن و نیز همهء موضوعات‏ مربوط به آنها در فهرست او نیامده است،اما بدون‏ شک کاری است بدیع ابتکاری و نوع که در نوع خود بی‏سابقه بوده است.(26)

در دورهء معاصر مستشرقانی چون لاپوم در کتاب‏ «تفصیل آیات القرآن کریم»کار وی را دنبال‏ کرده،(27)محققان بعدی چون دکتر فؤاد عبدالباقی‏ در«المعجم المفهرس لالفاظ قرآن کریم»(28)و دکتر محمود روحانی در المعجم الاحصایی‏ لا لفاظ قرآن کریم»(29)آن را کامل کردند.

نثر الدر ابوسعدآوی در سالهای اخیر به همت‏ جمعی از محققان و پژوهشگران دانشگاه الازهر در هفت مجلد در قاهره به چاپ رسیده است.(30)

پی‏نوشت: (1)-الانساب،ابی‏سعد عبدالکریم بن محمدبن منصور تمیمی‏ سمعانی،تحقیق عبدالله عمر البارودی،بیروت،دارالکتب‏ العلمیه،1408 هـ/1988 م،5 ج،520+533+578+518+ 714 ص.

(2)-عبدالله عمر البارودی،«مقدمهء»الانساب سمعانی،بیروت، دارالکتب،علمیه،ج 1،ص 9.

(3)-مرتضی ذکایی ساوی،«سیری در الانساب سمعانی»آینهء پژوهش،سال هفتم،شمارهء 41،آذر-دی 1375،ص 26-33.

(4)-ابن قتیبه دینوری،المعارف،تحقیق الدکتور،ثروت عکاشه، قاهره،دارالکتب المصریه،1965م،ص 166.

(5)-ابن ندیم الفهرست،ص 95.

(6)-ابن خلکان،وفیات الاعیان،مطبعه السعادة،1919 م،ج‏ 1،ص 624-625.

(7)-ذهبی،میزان الاعتدال،تحقیق علی البجاوی،مطبعة الحلبی 1963 م،ج 3،ص 61-63.

(8)-صفدی،الوافی بالوفیات،ج 3،ص 83.

(9)-خیرالدین زرکلی،الاعدام،قاهره،1954 م،ج 7،ص 3.

(10)-عمو رضا کحاله،معجم المؤلفین(تراجم مصنفی الکتب‏ العربیه)،بیروت،دار احیاء،الثرات العربی،ج 10،ص 15.

)11(- mamalekcorB : ethcihcseG reD nehesibarA erutarttil , Is , P :433

)21(- alled.L adiV : iblak-LA e ilg imsicS -sirhC inait , osR 31 7023-133

(13)-فؤاد سزگین:تاریخ التراث العربی،المجلد الاول،الجزء الاول(فی علوم القرآن و الحدیث)،ص 81.

(14)-جمال‏الدین اتابکی،النجوم الزاهره،طبع دارالکتب،سنه‏ 1930 م،ج 1،ص 308.

(15)-محمدبن جریر طبری،التفسیر،تحقیق محمد شاکر، مطبعه المعارف،ج 1،ص 156.

(16)-عمو رضا کحاله،معجم المؤلفین،ج 2،ص 276.

(17)-فؤاد سزگین:تاریخ التراث العربی،ج 1،جزء 1،فی علوم‏ القرآن و الحدیث،ص 78.

(18)-تاریخ التراث العربی،جلد اول،جزء اول،ص 184.

(19)-فهرس مهد المحظوطات العربیه،ج 1،ص 30.

(20)-ابن یوسف شیریازی،فهرست نسخه‏های خطی مدرسه عالی‏ سپهسالار،ج 1،ص 330-231.

(21)-فهرست نسخه‏های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی،ج‏ 4،ص 361.

)22(- golataC fo eht naisrep stpircsunam fo eht hsitirB muisuM , oviR.C ,5.

(23)-ابن خلکان،وفیات الاعیان،مطبعه السعادة،1919،ج‏ 1،ص 361.

)42( etehcihcseG reD nehesibarA erutarttil , I , P : 511.

(25)-ر.ک.«آیةاالآیات فرقانی اولین کشف الآیات»،نشریهء دانشکدهء علوم معقول و منقول مشهد،1347 ش،ص 232/آینهء پژوهش،سال اول،شمارهء سوم،مهر و آبان،1369،ص 77.

(26)-مرتضات ذکایی ساوی،«ابوسعدآوی و نثرالدر»،آینهء پژوهش‏ ،سال چهارم،شمارهء دوم،مرداد-شهریور 1372،ص 35.

(27)-جول لاپوم؛تفصیل آیات القرآن،طبع بیروت،دارلفکر، دارالفکر للطباعة و النشروالتوزیع.

(28)-محمد فؤاد عبدالباقی،المعجم المفهرس لالفاظ قرآن‏ کریم،قاهره،مکتب دارالکتب المصریه،1364 ق.

(29)-دکتر محمود روحانی،المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن‏ الکریم فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم،مشهد،مؤسسهء چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی،1368-1366.

(30)-نثرالدر،للوریرأبی سعد منصور بن الحسن آبی،الجزء الاول تحقیق محمد علی قرنه،علی محمد البجاوی،قاهره،الهیهء المصریه العامه للکتاب